

ادامه از صفحه اول

برنده انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا

... با آگاهی کامل از ریزش آرای ترامپ میان نسل جوان و دموکراسی‌خواه در برابر ترامپ سکوت کامل کرده است تا بهانه بیشتری به دست دموکرات‌ها ندهد. رفتار ترامپ بیشتر مانند رفتار زمامداران قدیمی شرقی است. (۲) در نیم سده‌ای که نگارنده شاهد انتخابات آمریکا بوده‌ام، هرگز شبیه مبارزه انتخاباتی این دوره را که به بدترین شکل ممکن صورت گرفت، ندیده بودم. چون حکومت و مقام ریاست‌جمهوری در دست جمهوری‌خواهان است و چون هر رئیس‌جمهور می‌تواند دو دوره زمامداری کند، همه تلاش جمهوری‌خواهان بر این ست که در برابر رفتار استبدادگونه ترامپ سکوت کنند و احتمالا اگر در توانشان باشد، نامزدهای دموکرات را به جان یکدیگر بیندازند که عود شود سبب خیر و ترامپ یک‌بار دیگر رای لازم و کافی را به دست آورد. با روش ابلهانه‌ای که حزب دموکرات این بار برای تبلیغات انتخابات خود به کار گرفت، قند توی دل جمهوری‌خواهان آب شد. انکار که نمایش انتخابات دموکرات‌ها صحنه تئاتری است که نمایش نامه‌نویسی و اجرای آن را جمهوری‌خواهان انجام داده باشند. کاندیداهای دموکرات جگر یکدیگر را پاره کردند.

(۳) رشد و توسعه کشورهایی که تا جنگ دوم جهانی مستعمره غرب بودند و نیز توسعه روسیه پس از فروبرختن نظام اتحاد جماهیر شوروی در سه دهه گذشته، تعامل پیشین قدرت جهانی را به‌تدریج در هم ریخت. امروز غرب در برابر چین، هندوستان و روسیه در حال عقب‌نشینی است. زمامداران غربی – که ترامپ در رأس آنها است – موقعیت خود را به‌عنوان قدرت فائقه از دست می‌دهند. ترامپ مانند بسیاری از سران کشورهای اروپای غربی به‌ویژه بریتانیا و فرانسه و آلمان خواهان حفظ قدرت غرب هستند. همه سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا و ناتو و مؤسسات مالی جهانی که دستبافت غرب‌اند، نهایت تلاش خود را دارند که تعادل گذشته حفظ شود. اما یک نکته را نادیده می‌گیرند و آن مهاجرت روزافزون چینی‌ها و هندی‌ها و مردم خاورمیانه به آمریکا و غرب اروپاست. در ظاهر قضیه، این جذابیت غرب است که مردم کشورهای شرقی را جذب بازار غرب می‌کند. اما این حرکت درست شبیه مهاجرت مغول‌ها و مردم آسیای مرکزی به خاورمیانه است که زمینه تسلط مغول‌ها را فراهم کردند. انجاست که پیش‌بینی نوسترادموس

به حقیقت می‌پیوندد. بخش محافظه‌کار آمریکا که ترامپ در رأس آن قرار دارد، با این حرکت مخالف است اما دموکرات‌ها که بخش قابل‌توجهی از بدنه آنها مهاجران هستند، با اصرار بر افزایش حقوق مستندان که مهاجران اخیر هستند، راه را برای مهاجرت بیشتر به غرب – به‌ویژه آمریکا و کانادا- باز می‌کنند. بسیاری از مهاجران تازه‌نفس که از امتیاز شهروندی رسمی آمریکا برخوردار شده‌اند با در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا شرکت نمی‌کنند یا اگر شرکت کنند، به حزبی رای می‌دهند که حافظ منافع آنها باشد. در این هیاهو، گروه‌های مخالف دولت‌های شرقی که به ایالات متحده یا کانادا و حتی استرالیا و نیوزیلند پناه برده‌اند، از حکومت ترامپ حمایت می‌کنند اما شمار آرای آنها ناچیز است و تعیین‌کننده نیست.

(۴) آخرین موضوعی که بلای جان انتخابات آمریکا شده همین ویروس کرونا است که هنوز بیش از دو ماه از شدت گسترش آن نگذشته است. اگر این واگیری ادامه یابد، کل انتخابات هفت ماه آینده را تحت تأثیر قرار خواهد داد. هفت ماه آینده فصل بارانی آغاز می‌شود و مردم قادر نخواهند بود به صندوق‌های رای نزدیک شوند. علاوه برآن، ترامپ درباره ویروس کرونا هم هر روز یک حرف می‌زند. در مورد ایالاتی هم که در کنترل دموکرات‌هاست، می‌گوید تصمیم‌گیری نهایی با من است. این خطای استراتژیک شاید به زیان ترامپ تمام شود و آرای اکثریت به سود دموکرات‌ها بکشانند.

(۵) در نهایت، تلاش جو بایدن برای ایجاد اتحاد درونی میان دموکرات‌ها از جمله آشتی مصنوعی جو بایدن با برنی سندرز – چیزی که تا هفته پیش بی‌سابقه و بر خلاف جهت حرکت مبارزات انتخاباتی دموکرات‌ها در یکی، دو ماه گذشته بود – قاعداست باید در گردهمایی دموکرات‌ها تأثیر بگذارد. اما قضاوت دراین‌باره هنوز رود است. اگر برنی سندرز از خر شیطان پایین نیامده بود، حیثیتی برای دموکرات‌ها باقی نمی‌ماند. این اتحاد به زیان ترامپ است، به این معنی که طرفداران برنی سندرز به بایدن به‌عنوان رقیب نگاه نکنند. بلکه شماری از آنها به او رای دهند. در این صورت شانس بایدن افزایش خواهد یافت.

به دلایل گفته‌شده در بالا، پیش‌بینی قطعی نتیجه انتخابات به‌سادگی میسر نیست. هرکسی برداشت خود را دارد. هر نامزدی که برنده انتخابات شود، عده‌ای که از او حمایت می‌کنند خواهند گفت: «دیدنی گفتم».

شرق: چند دهه از اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی می‌گذرد. در این سال‌ها شرکت‌های دولتی بسیاری واگذار شده و برخی هم بخشی از مالکیت آنها یا زیرمجموعه‌هایشان در مزایده‌هایی به بخش خصوصی سپرده شد. اگر تاکنون عمیق‌ترین روش واگذاری‌ها مزایده‌ها و مناقصه‌ها بود، امسال دولت عزم خود را برای واگذاری اموال دولتی در بازار بورس و بین سهامداران جدی‌تر کرده است. همین تصمیم واکنش‌های زیادی را به‌دنبال داشته است. مخالفان با این تصمیم معتقدند افزایش عرضه‌های اولیه اموال و دارایی‌های عمومی در بورس باعث جهش و ایجاد حباب در بورس شده، شاخص بورس دیروز به ۷۰۰ هزار واحد رسید و در تاریخ بورس ایران بی‌سابقه است. اما برخی هم از مزایای این تصمیم در ایجاد شفافیت می‌گویند. ابهام در عملکرد شرکت‌ها سال‌هاست که مسئله‌ساز شده و به گفته رئیس دیوان محاسبات برای هیچ نهادی شفاف نیست که دقیقاً در شرکت‌ها چه می‌گذرد، چقدر درآمد دارند و در چه محل‌هایی خرج می‌شود. اما بورس قوانین خاص خود را دارد. هیچ شرکتی بدون ارائه گزارش عملکرد مالی نمی‌تواند سهام عرضه کند و تمامی صورت‌حساب‌های مالی شرکت‌های بورسی روی سامانه کدال در اختیار عموم مردم قرار می‌گیرد. به گفته کارشناسان اگرچه واگذاری اموال باید با اصلاح ساختاری انجام شود اما از این منظر می‌تواند شرکت‌ها را مجبور کند از حالت رخوت خارج شوند. به گفته محمدتقی فیاضی انکارچه اراده دولت بر واگذاری اموال به‌صورت بورسی نقاط روشن بسیاری دارد و می‌تواند زنجیره فساد چندین دهه در خصوصی‌سازی‌ها را تضعیف کند اما در صورتی که اصلاح ساختاری در این شرکت‌ها انجام نشود و مدیریت آنها همچنان دست‌نخورده باقی بماند و از لحاظ اداری در همان چارت مدیریت دولتی ادامه دهند، مشکلات نه‌تنها پابرجا خواهد بود بلکه باید منتظر پیامدهای منفی هم در خروجی‌های این فرایند باشیم.

تالاربورس: میدان فازنهایی خصوصی سازی‌ها به گزارش «شرق»، از زمان ورود به سال جدید بازار عرضه سهام شرکت‌های دولتی در بورس پررونق شده، همچنان که رئیس‌جمهور هم در این زمینه در نخستین جلسه هیئت دولت در سال جدید، بر اینکه دستگاه‌های دولتی باید سهام خود را در بورس عرضه کنند و در تماس‌هایی با وزیر اقتصاد بر تسریع در این امر تأکید کرد. در ادامه وزیر امور اقتصادی و دارایی نیز اعلام کرد که در آینده نزدیک، سهام دولت در تعداد ۹ شرکت دولتی در رسته‌های انرژی (پالایشگاه و پتروشیمی)، مالی (بانک‌ها و

بیمه‌ها) و صنایع فلزی و معدنی در بورس عرضه خواهند شد.

طبق گفته دژپسند، در این مرحله از واگذاری، تصمیم بر این است که به‌صورت فراگیر این سهام‌ها را عرضه کنیم تا همه مردم با اعمال تخفیف‌هایی (در مرحله اول و فقط برای یک‌بار) در دو گروه ۲۰ و ۲۵ درصدی با سقف خرید دو میلیون تومان به ازای هر نفر بتوانند سهام عرضه‌شده را خریداری کنند. دولت هدف خود در اجرای این سیاست را انتقال مالکیت و مردمی‌کردن اقتصاد معرفی کرده و برآوردهای وزارت اقتصاد نشان می‌دهد دولت از این طریق حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان برای بودجه تأمین مالی داشته باشیم.

اگر تا حالا کانون مرکزی روش‌های واگذاری در مزایده‌ها و مناقصه‌ها بود، حالا به نظر می‌رسد تالار بورس قرار است میدان خصوصی‌سازی‌ها باشد و از طرفی منابع بودجه‌ای دولت را تأمین کند.

نجات بخشی بودجه از تنگنا

محمدتقی فیاضی، کارشناس اقتصادی دراین‌باره در گفت‌وگو با «شرق» درباره معایب و مزایای این اتفاق توضیح داد: در بودجه امسال مانند سال‌های قبل منابع عمومی دولت در سه بخش است: درآمد‌های نفتی، دارایی‌های سرمایه‌ای و واگذاری دارایی‌های مالی که بخش عمده آن الان فروش اوراق و بخش دیگر هم فروش شرکت‌های دولتی است. در قانون بودجه امسال این محل درآمدی به نسبت سال‌های قبل بسیار تقویت شده و بخش مهمی از منابع عمومی را تشکیل داده است. بنابراین آنچه در قانون بودجه ۹۹ پیش‌بینی شده است، باید محقق شود.

او ادامه داد: دولت‌ها در سال‌های گذشته

اقتصاد

«شرق» چرخش کانون واگذاری‌ها از مزایده به بورس را بررسی می‌کند

جشن عرضه در تالار شیشه‌ای



شرکت‌های باکیفیت خود را که حاصل فروش نفت و تشکیل سرمایه بود، از طریق مزایده و قرارداد‌ها واگذار کردند. ما شاهد این بودیم که در همه این سال‌ها فساد زیادی در این محل شکل گرفت. خیلی از این شرکت‌ها با قیمت نازل به فروش رفت، بعد از مدتی نتوانست سوددهی داشته باشد. از طرفی موجب بی‌کاری افراد شد و خیلی از آنها هم تعطیل شدند. دولت حالا اگر تصمیم گرفته باشد شیوه واگذاری را عوض کند، قدم مهمی است. از طرفی درحال‌حاضر پول‌های سرگردانی وجود دارد و قابلیت این را دارد که وارد بورس شود. باتوجه به اتفاقاتی که در بازار ارز و سکه افتاده، دیگر این بازارها جذابیت ندارند و مسکن هم دچار رکود اقتصادی است. بنابراین بورس یکی از معدود فضاهایی است که می‌تواند این نیاز سرمایه‌گذاری را تأمین کند. اما این را هم در نظر بگیریم که یکسری از کسانی که آشنایی با بورس ندارند هم وارد بورس می‌شوند و ممکن است همین موضوع باعث ایجاد تلاطم شود.

به گفته فیاضی از مزایای واگذاری اموال و شرکت‌های دولتی در بورس ایجاد شفافیت است و این شرکت‌ها دیگر ناگزیر هستند، صورت‌حساب‌های مالی خود را در دسترس قرار بدهند و از طرفی عدم اهلیتی که در این سال‌ها در خصوصی‌سازی در مزایده‌ها و مناقصه‌ها شاهد بودیم، ضعیف می‌شود؛ چراکه بورس از خریدار تمرکززدایی می‌کند و می‌تواند جلوی انحصارگرایی و انعقاد قرارداد در تاریکی را بگیرد.

در ادامه فیاضی در پاسخ به سؤال تأثیر واگذاری‌ها بر اقتصاد و بازار سرمایه به چند نکته درباره معایب آن اشاره کرد. او توضیح داد: برخی

از این شرکت‌هایی که دولت اکنون در بورس واگذار کرده، متعلق به دولت نیست و به‌دلیل ترکیب هیئت‌مدیره تصمیم‌گیری درباره آن برعهده دولت است. مثلاً شستا یا آتیه صبا از این موارد هستند. دولت برای واگذاری آنها مجوز قانونی دارد اما مجوز اقتصادی آن مبهم است. سهامداران اصلی مثلاً شستا افراد تحت پوشش تأمین اجتماعی هستند. اولین سؤال این است که به لحاظ قانونی دولت اجازه واگذاری دارد اما به لحاظ اقتصادی هم آیا می‌تواند اجبار به فروش اموال کند؟

او تأکید می‌کند: این را توجه داشته باشید که عمده این شرکت‌ها، شرکت‌هایی هستند که قبلاً دولت در ازای بدهی خود به تأمین اجتماعی تحویل داده، یعنی به‌صورت رد دیون بوده و زیان‌ده هستند. البته تأمین اجتماعی هم دچار مشکل است و برای تأمین مالی نیز به منابع جدید دارد.

سهام عرضه شد، مدیریت هم عوض شد؟

یکی از مواردی که فیاضی معتقد است باید با احتیاط بیشتری در آن عمل شود، سرعت و تعجیل در واگذاری‌هاست. او توضیح داد: بورس با چه مجوز و اختیاراتی مدیریتگ را وارد عرضه اولیه می‌کند. آیا نه فقط شستا بلکه همه این شرکت‌هایی که این روزها در بورس عرضه می‌شوند و روند بورس را جهشی کرده‌اند، حسابرسی شده‌اند، ارزش‌گذاری شده‌اند؟ ضوابط بورس کامل رعایت می‌شود؟ این هم ابهام بعدی است که وجود دارد.

او ادامه داد: یکی از ایرجالش‌هایی که قبلاً چندین بار از سوی مراکز پژوهشی و کارشناسان اقتصادی بر آن تأکید شده بود، ورشکستگی صندوق‌های بانزنشستگی است. این شکل واگذاری اموال در کوتاه‌مدت ممکن است مشکل این صندوق‌ها را حل کند اما در بلندمدت این راه‌حل در عبور از بحران ناتوان است. برای اصلاح ساختاری انجام شود. مدیریت آنها از مدیریت دولتی باید منفک شود. دولت باید بدهی‌های خود را به تأمین اجتماعی پرداخت کند و در راستای جابک‌سازی پیش برود.

به گفته فیاضی اگرچه اراده دولت بر واگذاری اموال به‌صورت بورسی نقاط روشن بسیاری دارد و می‌تواند زنجیره فساد چندین دهه در خصوصی‌سازی‌ها را تضعیف کند اما در صورتی که اصلاح ساختاری در این شرکت‌ها انجام نشود و مدیریت آنها همچنان دست‌نخورده باقی بماند و در لحاظ اداری در همان چارت مدیریت دولتی ادامه دهند، مشکلات نه‌تنها پابرجا خواهد بود بلکه باید منتظر پیامدهای منفی هم از در خروجی‌های این فرایند باشیم.

یادداشت

ریسک ورشکستگی در کمین ایرلاین‌ها

مجید سبزه پژوهشگر و کارشناس اقتصاد هوانوردی

● حمل‌ونقل هوایی یکی از مهم‌ترین ابزارها برای انتقال افراد و کالاها محسوب می‌شود. به‌جرت می‌توان گفت که این صنعت موجب تسریع در روند رشد اقتصادی، تجارت جهانی، سرمایه‌گذاری بین‌المللی و صنعت گردشگری شده است. در کشور ما سالانه بیش از ۱۸۰ هزار پرواز داخلی و ۳۷ هزار پرواز خارجی توسط ایرلاین‌های ایرانی انجام می‌گیرد که در این پروازها حدود ۲۶ میلیون مسافر و ۵۵ هزار تن کالا جابه‌جا می‌شوند. صنعت حمل‌ونقل هوایی از فرصت‌های رشد بسیار زیادی برخوردار است اما باوجوداین همواره شاهد ورشکستگی‌های متعدد شرکت‌های فعال در این صنعت در سطح جهانی هستیم. شاید بتوان گفت ورشکستگی از خصصه‌های مهم این صنعت است؛ چراکه صنعتی پرخطر، لوکس و گران است. عوامل ورشکستگی ایرلاین‌ها را می‌توان در دو سطح بررسی کرد. در سطح اول ریسک‌هایی قرار دارند که به‌طور مستقیم بر درآمد‌ها و هزینه‌های ایرلاین‌ها تأثیر می‌گذارند و خود در سه دسته طبقه‌بندی می‌شوند. ریسک‌های دسته اول مستقیماً درآمد عملیاتی یا میزان فروش ایرلاین‌ها را متأثر می‌کنند. یک نمونه از آن فصلی‌بودن صنعت هوایی از نظر زمانی است؛ به‌طوری‌که بیشترین درآمد آنها در فصل تابستان بوده و برای جبران کاهش درآمد در فصول دیگر و مدیریت بهتر ریسک باید اقدام به ارائه تخفیفات در قیمت بلیت کنند تا تقاضا را تحریک کرده و تا حدی این کاهش درآمد را جبران کنند. مورد دیگر در این زمینه تبلیغات ناصحیح، روش بازاریابی اشتباه، ضعف روابط عمومی یا تبلیغ‌پررانی علیه یک شرکت بوده که منجر به کاهش شدید درآمد آن می‌شود. دسته دوم ریسک‌هایی هستند که مستقیماً هزینه‌های این شرکت‌ها را نشانه رفته‌اند و باعث تحمیل هزینه‌هایی به این شرکت‌ها می‌شوند. یک نمونه از آن تدوین قوانین و مقررات زیست‌محیطی توسط دولت‌ها یا مجامع بین‌المللی در راستای تکلیفی است که منتج به کاهش چشم‌انداز میزان آلودگی ناشی از هواپیماها امع از انتشار گازهای گلخانه‌ای می‌شود. الزام به رعایت این استانداردها برای ایرلاین‌ها منجر به تحمیل هزینه و رعایت‌کردن استانداردهای مذکور و نیز منجر به تحمیل جرایم و عوارض سنگینی بر آنها می‌شود.

ادامه در صفحه ۵

خبر

مخالفت دولت با اصلاح تدریجی نرخ ارز باعث جهش قیمت شد

● رئیس‌کل سابق بانک مرکزی با بیان اینکه سال ۹۶ بررسی‌های کارشناسی بانک مرکزی نشان می‌داد نرخ تعادلی ارز شش هزارو ۵۰۰ تومان است، مخالفت دولت در اصلاح تدریجی نرخ ارز را عامل اصلی جهش قیمت‌ها دانست.

ولی‌الله سیف در گفت‌وگو با فارس، با اشاره به وضعیت فعلی اقتصاد در ماه‌های اخیر اظهار کرد: شاهد شرایطی خاص در اقتصاد هستیم که جا دارد موردتوجه و تحلیل قرار گیرد.

او افزود: از نظر بین‌المللی باوجود تعامل سازنده و منطقی جمهوری اسلامی دسیسه‌ها و توطئه‌های دشمنان همچنان ادامه داشته و متأسفانه چشم‌انداز روشنی هم برای آن متصور نیست. درآمدهای ارزی کشور هم افزایش پیدا نکرده و محدودیت‌های صادرات نفت و فشارهای آمریکا همچنان وجود دارد. رئیس‌کل سابق بانک مرکزی تصریح کرد: علاوه بر این بحران کرونا تأثیرات منفی جدی بر کسب‌وکارها و فعالیت‌های اقتصادی در همه کشورها زجمله ایران بر جای گذاشته است. باوجوداین با مدیریت به‌عمل‌آمده الحمدلله کالاهای اساسی و میحتاج عمومی مشکلی ندارد و به میزان نیاز در دسترس مردم قرار دارد. او گفت: در شرایط فعلی با تدبیر مقام معظم رهبری و تشکیل شورای عالی هماهنگی اقتصادی، هماهنگی و همراهی مناسبی بین سه قوه نسبت به سال ۹۶ و نیمه اول سال ۹۷ وجود دارد و از سوی دیگر واقع‌گرایی دولت و سایر قوا در ایجاد و حفظ آرامش موجود نقش بسیار مهم و تأثیرگذاری داشته است و علاوه بر آن تأکید شورا در همان جلسات اول بر اختیارات کامل بانک مرکزی در کنترل بازار ارز و صدور مصلوبه لازم در این زمینه و همچنین الزام همه نهادها و دستگاه‌ها ازجمله همه مراجع انتظامی، امنیتی و قضائی در همراهی با بانک مرکزی برای مدیریت بازار را بوده است. سیف با بیان اینکه همه این اقدامات بدون توجه به یک واقعیت مهم نمی‌توانست منجر به آرامش در بازار شود، افزود: آن واقعیت این است که نرخ ارز را نمی‌توان با بر علاقه و دستور تعیین یا از تعدیل آن شائبه‌ها واقعیت‌های اقتصادی جلوگیری کرد. نرخ واقعی ارز متناسب با واقعیت‌های اقتصادی کشور مشخص می‌شود و تحت هیچ شرایطی نمی‌توان آن را تغییر داد؛ مگر اینکه متغیرهای اقتصادی تأثیرگذار بر آن تغییر کنند، در آن صورت نرخ واقعی ارز هم به‌صورت تدریجی تعدیل خواهد شد.